



## کیفیت زندگی والدین کودکان آزار دیده

دکتر پروانه محمد خانی\*، دکتر علی دلاور\*\*، دکتر محمد رضا محمدی\*\*\*

### چکیده

**هدف:** این پژوهش به منظور بررسی پیش بینی کننده‌های بد رفتاری با کودک در چهارچوب کیفیت زندگی والدینی که کودکان آنها مورد آزار قرار گرفته بودند انجام شد. **روش:** به همین منظور کیفیت زندگی پدران و مادران ۳۸ دانش آموز آزار دیده پسر پایه دوم مقطع راهنمایی از مناطق ۳، ۴، ۵، ۶ و ۱۹ مورد بررسی قرار گرفتند و با کیفیت زندگی والدین ۴۰ دانش آموز آزار ندیده از همان مناطق که به صورت گروهی با گروه اول هم‌تا سازی شده بودند مقایسه گردید. داده‌های پژوهش به کمک مقیاس کودک آزاری و ضربه برای جداسازی کودکان آزار دیده و آزار ندیده و همچنین پرسشنامه ۱۹۲ سؤالی کیفیت زندگی گردآوری شدند. **یافته‌ها:** نتایج به دست آمده نشان داد که نمره کل کیفیت زندگی والدین دانش آموزان آزار دیده بطور معنی داری پایین‌تر از نمره کل کیفیت زندگی والدین دانش آموزانی است که مورد آزار قرار نگرفته بودند. مقایسه نیمرخ دو گروه در خرده مقیاسهای سلامت جسمانی، تحول فردی، روابط زناشویی، روابط والد - فرزندی، رضایت شغلی، رفتار ابتکاری - هنری و اوقات فراغت تفاوت معنی دار دو گروه را آشکار ساخت. در تحلیل رگرسیون با روش گام به گام نشان داده شد که نمرات خرده مقیاسهای روابط زناشویی ۴۵٪ و رفتار ابتکاری - هنری ۲۹٪ واریانس نمره آزار را تبیین می‌کردند که آزمون تحلیل واریانس این دو میزان را معنی دار نشان داد. **نتیجه:** کیفیت روابط زناشویی والدین و رفتار ابتکاری - هنری آنها بیشترین پیش بینی کننده‌های بد رفتاری با کودک بودند.

### کلید واژه: کیفیت زندگی والدین، کودکان آزار دیده، دانش آموزان، تهران

#### مقدمه

در سالهای اخیر کوششهای زیادی برای یکپارچه کردن یافته‌های پژوهشی مربوط به کودک آزاری و الگوهای سبب‌شناسی آزار صورت گرفته و عوامل مختلف بوم

\*\*\* دکتری تخصصی روانشناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. تهران، اوین، خیابان کودکیار، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.  
\*\*\* دکتری تخصصی روش تحقیق و آمار، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی. تهران: خیابان کارگر جنوبی، بعد از چهار راه لشگر، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.  
\*\*\* فوق تخصص روانپزشکی کودک، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران. تهران، خیابان کارگر جنوبی، بعد از چهارراه لشگر، بیمارستان روانپزشکی روزبه.

خانوادگی (مش<sup>(۳۰)</sup>، جانستون<sup>(۳۱)</sup>، کویتس<sup>(۳۲)</sup>، ۱۹۸۳؛ مک‌کوین<sup>(۳۱)</sup>، کوبل<sup>(۳۲)</sup>، پاترسن<sup>(۳۳)</sup>، ۱۹۸۲؛ کولپ و کولپ<sup>(۳۴)</sup>، سولیس<sup>(۳۵)</sup> و لئس<sup>(۳۶)</sup>، ۱۹۸۹) در والدین کودک آزار گزارش شده است. وود<sup>(۳۷)</sup> شومن<sup>(۳۸)</sup> و کوئن<sup>(۳۹)</sup> (۱۹۸۶) نشان دادند که والدین کودک آزار در مقایسه با گروه گواه رفتارهای منفی بیشتری در ارزیابی رفتار کودک گزارش می‌دهند. در سایر بررسیها تفاوت در سبکهای اسناد والدین کودک آزار (برادلی<sup>(۴۰)</sup> و پیترز<sup>(۴۱)</sup>، ۱۹۹۱)؛ انتظارات نامناسب آنها از رفتار کودک (لارنس<sup>(۴۲)</sup> و توتتی من، ۱۹۸۳)، سطوح بالای استرس والدین (چان<sup>(۴۳)</sup>، ۱۹۹۴)، مسائل آسیب‌شناسی والدین (بلمبرگ<sup>(۴۴)</sup>، ۱۹۷۴)، انزوای اجتماعی والدین (تزنک<sup>(۴۵)</sup>، جکسون<sup>(۴۶)</sup> و کارلسون<sup>(۴۷)</sup>، ۱۹۹۱)، تعاملات مشکل ساز والدین - کودک (راید<sup>(۴۸)</sup>،

ساحی از جمله عوامل مربوط به پدید آیی فردی<sup>(۴۹)</sup>، عوامل فرهنگی (کلان سیستمی<sup>(۳)</sup>)، عوامل خانوادگی (ریز سیستمی<sup>(۴)</sup>) و عوامل اجتماعی (خارج سیستمی<sup>(۵)</sup>) مورد بحث قرار گرفته‌اند (بلسکی<sup>(۶)</sup>، ۱۹۹۳، ۱۹۸۰؛ سیکتی<sup>(۷)</sup> و رایزلی<sup>(۸)</sup>، ۱۹۸۱).

در الگوی بوم شناختی برانفن برینر<sup>(۹)</sup> (۱۹۷۹) عوامل شخصیتی والدین مانند اعتماد به نفس پایین، ضعف کنترل تکانه، مکان کنترل بیرونی، عواطف منفی، بیش واکنشی آنها در برابر استرس به عنوان عوامل فردی معرفی شده‌اند. ساختار و بعد خانواده، فشارهای روانی مزمن مانند از دست دادن شغل یا مرگ یکی از اعضای خانواده، روشهای حل مسئله میان پدران و مادران به عنوان عوامل اجتماعی بی واسطه مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این الگو زمینه‌های بوم شناختی عبارت از شرایط اجتماعی - اقتصادی خانواده - برای مثال فقر، عدم ارائه خدمات به خانواده، انزوای اجتماعی و نبود همبستگی اجتماعی در جامعه - است. برانفن برینر عامل چهارم را زمینه اجتماعی و فرهنگی خانواده می‌داند که مواردی چون نظام ارزشها و باورهای مردم، به کار بردن تشبیه بدنی، افراط در محروم سازی خانواده را در بر می‌گیرد.

1-ecology	2-ontogenic
3-macrosystem	4-microsystem
5-exosystem	6-Belsky
7-Cicchetti	8-Rizely
9-Bronfenberenner	10-Crowe
11-Zeskind	12-During
13-Mc Mohan	14-Baver
15-Twentyman	16-Wolf
17-Fairbank	18-Kelly
19-Frodi	20-Lamb
21-Knutson	22-Milner
23-Hansen	24-Pallotta
25-Tishelman	26-Conoway
27-Mac Millan	28-Mash
29-Johnston	30-Kovits
31-McCubbin	32-Cauble
33-Patterson	34-Culp
35-Soulis	36-Letts
37-Wood	38-Shuman
39-Cone	40-Bradley
41-Petters	42-Larrance
43-Chan	44-Blumberg
45-Tzeng	46-Jackson
47-Karlson	48-Reid

بررسیهای مربوط به کودک آزاری به همبستگیهای معنی دار میان این عوامل و آزار دست یافته‌اند. برای نمونه ویژگی بیش فعالی پدر و مادر و بیش واکنشی آنها در برابر فشار روانی در بررسیهای کرو<sup>(۱۰)</sup> و زسکایند<sup>(۱۱)</sup> (۱۹۹۲)؛ دیورینگ<sup>(۱۲)</sup> و مک ماهان<sup>(۱۳)</sup> (۱۹۹۱)؛ ساور<sup>(۱۴)</sup> و توتتی من<sup>(۱۵)</sup> (۱۹۸۵)؛ ولف<sup>(۱۶)</sup>، فایرینک<sup>(۱۷)</sup>، کلی<sup>(۱۸)</sup> و برادلی (۱۹۸۳)؛ فرودی<sup>(۱۹)</sup> و لمب<sup>(۲۰)</sup> (۱۹۸۰) و کناتسون<sup>(۲۱)</sup> (۱۹۷۸) نشان داده شده است. نارساییهای عصبی - روانشناختی در بررسیهای مربوط به الگوهای پردازش اطلاعات (میلنر<sup>(۲۲)</sup>، ۱۹۹۳؛ هانزن<sup>(۲۳)</sup>، پالوتا<sup>(۲۴)</sup>، تی شلمن<sup>(۲۵)</sup>، کوناوی<sup>(۲۶)</sup> و مک میلان<sup>(۲۷)</sup>، ۱۹۸۹) عزت نفس پایین و تفسیر منفی از رفتار کودک، توانایی کمتر برای رویارویی با استرسهای

برخی پژوهشها نیز همبستگی معنی داری میان متغیرهای یاد شده میان والدین کودک آزار و غیر کودک آزار به دست نیآورده‌اند. برای نمونه می‌توان به بررسیهای استاسی ویز<sup>(۳)</sup> و لیزمن<sup>(۴)</sup> (۱۹۸۹)؛ پری<sup>(۵)</sup>، ولز<sup>(۶)</sup> و دورآن<sup>(۷)</sup> (۱۹۸۳)؛ میلنر<sup>(۸)</sup> (۱۹۹۴)؛ استار<sup>(۹)</sup> (۱۹۸۹)؛ کلی (۱۹۸۳) و ایوانز<sup>(۱۰)</sup> (۱۹۸۰) اشاره داشت.

همچنین تفاوت یافته‌های مربوط به عواملی مانند فقر، محیط‌های نامساعد خانوادگی، آشفتگی و بی سر و سامانی جدی خانواده در پیشینه پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند (امری<sup>(۱۱)</sup>، لاومن<sup>(۱۲)</sup> و بیلینگز<sup>(۱۳)</sup>، ۱۹۹۸).

تفاوت در یافته‌ها را شاید بتوان به تعیین کننده‌های دیگری مربوط دانست. برای نمونه مفهوم کیفیت زندگی به برداشت و درک فرد از موقعیت خود در زندگی در چارچوب اهداف و نظام ارزشی پذیرفته شده وی بستگی دارد (ایوانز و کوپ<sup>(۱۴)</sup>، ۱۹۸۹). به بیان دیگر کیفیت زندگی هر فرد به درک منحصر به فرد وی از زندگی بستگی دارد و اینکه زندگی علیرغم ارتباطی که وی با خانواده، دوستان و جامعه دارد ارضاء کننده است. افزون بر آن وی از جنبه‌های روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و جنسی اش رضایت دارد (سلا<sup>(۱۵)</sup>، ۱۹۹۴). پژوهش سازمان یافته‌ای که به شکل گسترده کیفیت زندگی و رابطه آن را با کودک آزاری مورد بررسی قرار داده باشد کمتر صورت گرفته است. برای نمونه لاچاریت<sup>(۱۶)</sup>، ایدر<sup>(۱۷)</sup> و کوتر<sup>(۱۸)</sup> (۱۹۹۶) الگوی نظری را ارائه داده‌اند که در آن بی توجهی نسبت به کودک به عنوان متغیری فرض شده که نه تنها با الگوی ارتباط واقعی والدین - کودک مربوط می‌شود، بلکه همچنین با الگوی روابط زناشویی و تاریخچه رشد والدین نیز رابطه دارد. آنها در بررسی خود به میزان رضایت بانوان از شوهرانشان و همچنین میزان حمایت آنان از فرزندانشان توجه نموده‌اند. گارباینو<sup>(۱۹)</sup> (۱۹۷۶) از بد رفتاری با کودک به عنوان نشانگرهای اجتماعی کیفیت زندگی خانواده‌ها یاد کرده است. او به

و عدم حمایت از سوی خانواده و همسایگان، وضعیت بد اقتصادی و برخی ویژگیهای روانشناختی اشاره نموده است. موکائو<sup>(۲۰)</sup> (۱۹۹۰) در بررسی کیفیت زندگی مردم هاوایی، کیفیت زندگی پایین را با مسائلی مانند بدی وضعیت بهداشت، مرگ و میر بالا، انتظار کم از زندگی، می‌بارگی، سوء مصرف مواد، خودکشی و شیوع بیماریهای روانی مربوط می‌داند. در ایران نوروزی (۱۳۷۲) وقوع آزار جسمانی را بیشتر در خانواده‌های دارای وضعیت اقتصادی بد برآورد کرده است. در بررسی دیگری رحیمی موقر (۱۳۷۵) نتایج مشابهی گزارش نموده است.

هدف اصلی این پژوهش بررسی کیفیت زندگی والدینی است که کودکانشان مورد آزار قرار گرفته‌اند. هدف دیگر پژوهش مقایسه کیفیت زندگی والدین کودکان آزار دیده و آزار ندیده و شناسایی متغیرهای پیش بینی کننده کودک آزاری در چارچوب مفهوم کیفیت زندگی والدین است که در قالب فرضیه‌های زیر تحقق یافت.

۱- متوسط نمره کل کیفیت زندگی والدین دانش‌آموزان آزار دیده در مقایسه با والدین دانش‌آموزان آزار ندیده پایین تر است.

۲- نیمرخ کیفیت زندگی والدین دانش‌آموزان آزار دیده با نیمرخ کیفیت زندگی والدین دانش‌آموزان آزار ندیده متفاوت است.

1-Taplin	2-Lorber
3-Stasiewics	4-Lisman
5-Perry	6-Wells
7-Doran	8-Milner
9-Star	10-Evans
11-Emery	12-Laumman
13-Billings	14-Cope
15-Cella	16-Lacharite
17-Ethier	18-Coture
19-Garbarino	20-Mokuau

آزمودنیهای پژوهش را والدین دانش‌آموزان پسر پایه دوم مقطع راهنمایی مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۷۸-۷۹ تشکیل داده‌اند. این افراد بر پایه گزارش فرزندانشان، نمره آنان در مقیاس کودک آزاری و ضربه و با توجه به نمره نقطه برشی که برای این مقیاس تعیین شده بود انتخاب شدند و در دو گروه والدین دانش‌آموزان آزار دیده و آزار ندیده مورد بررسی قرار گرفتند. برای اجرای پژوهش نخست به کمک یک طرح پژوهشی زمینه یابی با یک نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از مناطق نوزده گانه آموزش و پرورش شهر تهران، ۱۴۴۳ دانش‌آموز، مقیاس کودک آزاری و ضربه را تکمیل نمودند. سپس از میان ۶۳ دانش‌آموزی که نمره آنها دو انحراف معیار بالاتر از میانگین گروه بود، ۴۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و سرانجام داده‌های مربوط به ۳۸ نفر از والدین آنها مورد پردازش قرار گرفت و با داده‌های حاصل از ۴۰ نفر از والدین دانش‌آموزانی که مورد آزار قرار نگرفته بودند و به صورت گروهی با گروه آزار دیده هم‌تا سازی شده بودند مقایسه شد. متغیرهایی که بر اساس آنها هم‌تا سازی گروهی انجام شده بود عبارت بودند از منطقه آموزشی، مدرسه، سطح تحصیلات والدین و شغل آنها.

ابزار به کار برده شده برای گردآوری داده‌های پژوهش شامل مقیاس کودک آزاری و ضربه و پرسشنامه کیفیت زندگی بود. نمره آزمودنی‌ها در مقیاس کودک آزاری و ضربه ملاک ارزیابی میزان آزار دیدگی بوده است. این مقیاس بر پایه نظریه امری و لاومن - بیلینگز (۱۹۹۸)؛ هارت<sup>(۱)</sup> و برازارد<sup>(۲)</sup> (۱۹۸۷، ۱۹۹۱)؛ ساندرز<sup>(۳)</sup> و بکر<sup>(۴)</sup> - لاوزن<sup>(۵)</sup> (۱۹۹۵)؛ کنت<sup>(۶)</sup> و والر<sup>(۷)</sup> (۱۹۹۸) و همچنین تعاریف DSM-IV<sup>(۸)</sup> (انجمن روانپزشکی آمریکا<sup>(۹)</sup>) (۱۹۹۲) از آزار تهیه گردید. ۴۱ عبارت برای سنجش ابعاد گوناگون آزار در نظر گرفته شد (۷ عبارت آزار بدنی، ۱۳ عبارت آزار عاطفی، ۶ عبارت جو منفی خانواده، ۱۵ عبارت بی توجهی). پایایی مقیاس با روش

آزمون - بازآزمون برای ۳۱ نفر، ۰/۸۵ محاسبه شد. این مقیاس از نظر اعتبار صوری و اعتبار سازه بررسی و در حد مطلوبی برآورد گردید. پایایی درونی مقیاس نیز ۰/۹۳ بدست آمد. نقطه برش با توجه به بررسیهایی که کودکان خیابانی در معرض بیشترین میزان آزار گزارش نموده‌اند (استفانیدز<sup>(۱۰)</sup>، پنبریج<sup>(۱۱)</sup>، مک کنزی<sup>(۱۲)</sup> و پست هارتز<sup>(۱۳)</sup>، ۱۹۹۳؛ وستانیس<sup>(۱۴)</sup>، پانوس<sup>(۱۵)</sup>، گیراتان<sup>(۱۶)</sup>، ایلنور<sup>(۱۷)</sup>، کملا<sup>(۱۸)</sup>، استوارت<sup>(۱۹)</sup>، ۱۹۹۷؛ آلبرستین<sup>(۲۰)</sup>، راپاپورت<sup>(۲۱)</sup>، فلانیگن<sup>(۲۲)</sup>، ۱۹۹۸ میهالی<sup>(۲۳)</sup>، ۱۹۹۱) در نظر گرفته شد. به کمک یک بررسی راهنما بر روی ۱۵ کودک خیابانی که میانگین نمرات آنها در این مقیاس ۱۰۸ بود، معیاری برای قضاوت در مورد آزار واقعی به دست آمد. این نمره ۲ انحراف معیار بالاتر از میانگین نمره‌های گروه یاد شده بود. بنابراین دانش‌آموزانی که نمره‌های آنها در مقیاس کودک آزاری و ضربه بالاتر از ۱۰۸ قرار داشت، به عنوان کودکان آزار دیده در نظر گرفته شدند.

پرسشنامه کیفیت زندگی دارای ۱۹۲ پرسش است که ابعادی از کیفیت زندگی مانند رفاه مادی - محیطی، سلامت بدنی، تحول فردی، روابط زناشویی، روابط والدین - کودک، روابط خانوادگی، روابط با دوستان، روابط نوع دوستانه<sup>(۲۴)</sup>، رفتار سیاسی، ویژگیهای شغلی، روابط

1-Hart	2-Brassard
3-Sanders	4-Becker
5-Laussen	6-Kent
7-Waller	
8-Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder	
9-American Psychiatric Association	
10-Stefanidis	11-Penn bridge
12-Mackenzie	13-Post Hartst
14-Vostanis	15-Panos
16-Grattan	17-Eleanor
18-Cumella	19-Stuart
20-Alperstein	21-Rappaport
22-Flanigan	23-Mihaly
24-altruistic behavior	

شغلی، رضایت شغلی<sup>(۱)</sup>، رفتار خلاق - هنری<sup>(۲)</sup>، فعالیت‌های ورزشی، اوقات فراغت و جامعه پسندی<sup>(۳)</sup> را در بر می‌گیرد. نمره بالا در هر یک از خرده مقیاسها و بالا بودن نمره کل مقیاس بیانگر کیفیت زندگی مطلوب است (نمره خرده مقیاس مطلوب بودن اجتماعی در محاسبه نمره کل آزمون به حساب نمی‌آید). در تفسیر نمره کل آزمون بر اساس نمره تراز شده ۱، نمره ۳۰ بیانگر کیفیت زندگی بسیار پایین‌تر از میانگین، نمره ۵۶ تا ۶۰ نزدیک به میانگین و نمره ۷۰ به بالا نمره بالاتر از میانگین به شمار می‌رود. رسم نیمرخ کیفیت زندگی به صورت نمودار امکان مقایسه در گروه را فراهم می‌سازد. پایایی آزمون با روش کودر - ریچاردسون از حدود ۰/۶۱ برای شاخص رفاه مادی - محیطی تا ۰/۹۶ برای شاخص روابط شغلی و ضریب پایایی کل آزمون به فاصله دو هفته با روش آزمون - باز آزمون ۰/۷۷ تا ۰/۸۷ گزارش شده است (ایوانز و کوپ، ۱۹۸۹). برای محاسبه اعتبار آزمون، ضریب همبستگی هر شاخص با نمره کل آزمون محاسبه و تعیین گردید. داده‌های پژوهش به کمک آزمون‌های آماری ۱ و تحلیل واریانس یکطرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین به منظور بررسی تعیین وزن هر کدام از خرده مقیاسهای همبسته با نمره آزار، تحلیل رگرسیون چند متغیری گام به گام به کار برده شد.

## یافته‌ها

آزمون فرضیه نخست پژوهش مبنی بر پایین‌تر بودن متوسط نمره کل کیفیت زندگی والدین دانش‌آموزان آزار دیده در مقایسه با والدین دانش‌آموزان آزار ندیده به کمک آزمون ۱ نشان داد که میانگین نمرات والدین گروه آزار دیده (۷۲/۱) تفاوت معنی‌دار با میانگین نمرات والدین گروه آزار ندیده در مقیاس کیفیت زندگی (۸۶/۲) دارد (۱/۰ < p و ۲/۹۱ = t). از آنجا که میانگین نمره‌های گروه آزار دیده پایین‌تر از گروه آزار ندیده است، بنابراین نتیجه می‌گیریم که والدین دانش‌آموزان آزار دیده در مقایسه با

والدین دانش‌آموزان آزار ندیده از کیفیت زندگی پایین‌تری برخوردار هستند (جدول ۱).

فرضیه دوم پژوهش نیز گویای تفاوت نیمرخ کیفیت زندگی والدین دانش‌آموزان آزار دیده با نیمرخ کیفیت زندگی دانش‌آموزان آزار ندیده است. همان‌گونه که در نمودار ۱ دیده می‌شود به طور کلی والدین دانش‌آموزان آزار دیده در مقایسه با والدین دانش‌آموزان آزار ندیده از نظر کیفیت زندگی در سطح پایین‌تری قرار دارند. آزمون ۱ تفاوت میانگین‌های دو گروه را در خرده مقیاسهای سلامت جسمانی، تحول فردی، روابط زناشویی، روابط والد - فرزندی، رضایت شغلی، رفتار ابتکاری - هنری، اوقات فراغت و همچنین نمره کل کیفیت زندگی از نظر آماری معنی‌دار نشان داد و در خرده مقیاسهای روابط خانوادگی، روابط با دوستان، رفتار نوع دوستانه، رفتار سیاسی، ویژگیهای شغلی و روابط شغلی تفاوت معنی‌دار نشان نداد (نمودار ۱).

بررسی رگرسیون "پیش‌بینی" میزان آزار اعمال شده ۱۵ مقیاس کیفیت زندگی والدین با نمره آزار دانش‌آموزان به کمک تحلیل رگرسیون (روش گام به گام) انجام شد. در نخستین مرحله از محاسبه، نمره‌های مقیاس‌های یاد شده به عنوان متغیرهای مستقل و نمره آزار به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد که در نخستین مرحله، مقیاس روابط زناشویی (۱/۰۰۰ < p و ۰/۴۵ = r<sup>2</sup>) و ۰/۶۷ = r (۴۵ درصد واریانس متغیر آزار را تبیین کرد که تحلیل واریانس این میزان را از نظر آماری معنی‌دار نشان می‌دهد (جدول ۲).

در دومین مرحله تحلیل، مقیاس رفتار ابتکاری - هنری وارد معادله گردید (۱/۰۰۰ < p و ۰/۲۹ = r<sup>2</sup>) و ۰/۵۴ = r. نمره این مقیاس ۲۹٪ دیگر از واریانس متغیر آزار را تبیین می‌کند (۱/۰۰۰ < p، ۱۲/۹۶ = F).

نمودار (۹) - مقایسه نمره کیفیت زندگی والدین دانش آموزان آزار دیده با والدین دانش آموزان آزار ندیده

T	رشته	سلامت جسمی	نوع فردی	روابط خانوادگی	روابط اجتماعی	روابط فامیلی	روابط با دوستان	رفتار خودمختار	رفتار سیاسی	فعالیت‌های ذهنی	روابط شخصی	رضایت شخصی	رفتار دیگران من	سلامت ورزشی	ادوات فراغت	مطلوبت اجتماعی	کیفیت زندگی	T
۱																	۱۰	۱
۲																	۱۰	۲
۳																	۱۰	۳
۴																	۱۰	۴
۵																	۱۰	۵
۶																	۱۰	۶
۷																	۱۰	۷
۸																	۱۰	۸
۹																	۱۰	۹
۱۰																	۱۰	۱۰
۱۱																	۱۰	۱۱
۱۲																	۱۰	۱۲
۱۳																	۱۰	۱۳
۱۴																	۱۰	۱۴
۱۵																	۱۰	۱۵
۱۶																	۱۰	۱۶
۱۷																	۱۰	۱۷
۱۸																	۱۰	۱۸
۱۹																	۱۰	۱۹
۲۰																	۱۰	۲۰
۲۱																	۱۰	۲۱
۲۲																	۱۰	۲۲
۲۳																	۱۰	۲۳
۲۴																	۱۰	۲۴
۲۵																	۱۰	۲۵
۲۶																	۱۰	۲۶
۲۷																	۱۰	۲۷
۲۸																	۱۰	۲۸
۲۹																	۱۰	۲۹
۳۰																	۱۰	۳۰
۳۱																	۱۰	۳۱
۳۲																	۱۰	۳۲
۳۳																	۱۰	۳۳
۳۴																	۱۰	۳۴
۳۵																	۱۰	۳۵
۳۶																	۱۰	۳۶
۳۷																	۱۰	۳۷
۳۸																	۱۰	۳۸
۳۹																	۱۰	۳۹
۴۰																	۱۰	۴۰
۴۱																	۱۰	۴۱
۴۲																	۱۰	۴۲
۴۳																	۱۰	۴۳
۴۴																	۱۰	۴۴
۴۵																	۱۰	۴۵
۴۶																	۱۰	۴۶
۴۷																	۱۰	۴۷
۴۸																	۱۰	۴۸
۴۹																	۱۰	۴۹
۵۰																	۱۰	۵۰
۵۱																	۱۰	۵۱
۵۲																	۱۰	۵۲
۵۳																	۱۰	۵۳
۵۴																	۱۰	۵۴
۵۵																	۱۰	۵۵
۵۶																	۱۰	۵۶
۵۷																	۱۰	۵۷
۵۸																	۱۰	۵۸
۵۹																	۱۰	۵۹
۶۰																	۱۰	۶۰
۶۱																	۱۰	۶۱
۶۲																	۱۰	۶۲
۶۳																	۱۰	۶۳
۶۴																	۱۰	۶۴
۶۵																	۱۰	۶۵
۶۶																	۱۰	۶۶
۶۷																	۱۰	۶۷
۶۸																	۱۰	۶۸
۶۹																	۱۰	۶۹
۷۰																	۱۰	۷۰
۷۱																	۱۰	۷۱
۷۲																	۱۰	۷۲
۷۳																	۱۰	۷۳
۷۴																	۱۰	۷۴
۷۵																	۱۰	۷۵
۷۶																	۱۰	۷۶
۷۷																	۱۰	۷۷
۷۸																	۱۰	۷۸
۷۹																	۱۰	۷۹
۸۰																	۱۰	۸۰
۸۱																	۱۰	۸۱
۸۲																	۱۰	۸۲
۸۳																	۱۰	۸۳
۸۴																	۱۰	۸۴
۸۵																	۱۰	۸۵
۸۶																	۱۰	۸۶
۸۷																	۱۰	۸۷
۸۸																	۱۰	۸۸
۸۹																	۱۰	۸۹
۹۰																	۱۰	۹۰
۹۱																	۱۰	۹۱
۹۲																	۱۰	۹۲
۹۳																	۱۰	۹۳
۹۴																	۱۰	۹۴
۹۵																	۱۰	۹۵
۹۶																	۱۰	۹۶
۹۷																	۱۰	۹۷
۹۸																	۱۰	۹۸
۹۹																	۱۰	۹۹
۱۰۰																	۱۰	۱۰۰

والدین دانش آموزان آزار ندیده والدین دانش آموزان آزار دیده

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار کیفیت زندگی والدین دانش‌آموزان آزار دیده با دانش‌آموزان آزار ندیده

متغیر وابسته	دانش‌آموزان	
	آزار ندیده	آزار دیده
رفاه مادی و محیطی	۴/۷۶	۲/۴۴
سلامت جسمانی	۴/۸۱	۲/۱۳
تحول فردی	۵/۳۱	۱/۷۵
روابط زناشویی	۴/۹۷	۲/۳۷
روابط والد-فرزند	۶/۴۴	۱/۹۸
روابط فامیلی	۶/۳۴	۲/۴۵
روابط با دوستان	۶/۰۷	۲
رفتار نوع دوستانه	۵/۶	۲/۰۲
رفتار سیاسی	۴/۰۷	۲/۳۴
ویژگیهای شغلی	۳/۲۳	۲/۱۹
روابط شغلی	۴/۲۶	۳/۴۱
رضایت شغلی	۳/۵۵	۲/۸۲
رفتار ابتکاری-هنری	۳/۶۰	۱/۸۸
فعالیت ورزشی	۳/۰۲	۲/۲۵
اوقات فراغت	۴/۶۰	۲/۷۸
نمره کل (کیفیت زندگی)	۷۲/۰۵	۱۹/۵۳

\*\*\*p < ۰/۰۰۱      \*\*p < ۰/۰۱      \*p < ۰/۰۵

بررسی رابطه میان کیفیت زندگی والدین و ویژگیهای جمعیت شناختی آزمودنی‌ها نشان داد که کیفیت زندگی با متغیر شغل پدر رابطه معنی دار ندارد، ولی با متغیرهای شغل مادر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، منطقه آموزشی و وضعیت اقتصادی خانواده رابطه معنی دار نشان داد (جدولهای ۳ تا ۷).

نتایج یاد شده نشان داد که خانواده‌های دارای مادران شاغل در مقایسه با خانواده‌های دارای مادران غیر شاغل از کیفیت زندگی بالاتری برخوردارند.

همانطور که در جدول ۴ نشان داده شده کیفیت زندگی خانواده‌هایی که پدر دارای تحصیلات بالا بوده بالاتر از کیفیت زندگی خانواده‌هایی بوده است که در آنها پدر دارای

جدول ۳- آزمون ۱ برای مقایسه میانگین کیفیت زندگی خانواده‌های دارای مادران شاغل و مادران غیر شاغل

شاخص‌ها فراوانی میانگین انحراف	۱	۲	سطح معنی داری
شغل مادر			
شاغل	۶	۹۸/۰۷	۱۲/۹۹
غیر شاغل	۶۸	۷۷/۷۱	۲۲/۳۷

جدول ۴- آزمون ۱ برای مقایسه میانگین کیفیت زندگی خانواده با سطح تحصیلات پدر

شاخص‌ها فراوانی میانگین انحراف	۱	۲	سطح معنی داری
تحصیلات پدر			
تحصیلات پایین	۳۸	۷۱/۹۵	۲۰/۳۱
تحصیلات بالا	۳۴	۸۸/۸۸	۱۹/۷۲

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس مربوط به رابطه متغیر روابط زناشویی و متغیر آزار

منابع تغییرات آزادی مجذورات	مجموع میانگین	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۵۸۳۵/۷۲	۱۲۹۱۷/۸۶	۲
باقیمانده	۳۰	۳۱۳۷۲/۴۶	۱۲/۳۵

جدول ۵- آزمون ۱ برای مقایسه میانگین کیفیت زندگی خانواده با سطح تحصیلات مادر

شاخصها	فراوانی	میانگین	انحراف	سطح
تحصیلات مادر	معیار			معنی داری
تحصیلات پایین	۴۶	۷۳/۸۴	۲۱/۳۳	
				۰/۰۱ ۳/۰۶
تحصیلات بالا	۲۷	۸۹/۱۶	۱۹/۳۷	

دانش‌آموزان مناطق ۳ و ۶ از کیفیت زندگی بالاتر در مقایسه با والدین دانش‌آموزان مناطق ۴ و ۵ و ۱۹ می‌باشد. یافته‌های ارائه شده در جدول ۷ نیز نشان می‌دهد که کیفیت زندگی والدین دارای وضعیت اقتصادی خوب تفاوت معنی دار با کیفیت زندگی والدین دارای وضعیت اقتصادی ضعیف دارد.

**بحث**

همان گونه که گفته شد در این پژوهش کیفیت زندگی والدین کودکان آزار دیده و آزار ندیده به عنوان شاخص عوامل اجتماعی و روانشناختی آنان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان دادند که نمره کل کیفیت زندگی والدین در گروه دانش‌آموزان آزار دیده و گروهی که با آنها به صورت گروهی هم‌تا سازی شده بودند، بطور معناداری متفاوت بود. نیمرخ هر دو گروه بر اساس مقایسه نمرات تراز شده والدین نیز این تفاوت را نشان داد. همچنین نمرات دو گروه والدین دانش‌آموزان آزار دیده و دانش‌آموزان آزار ندیده در خرده مقیاسهای سلامت جسمانی، تحول فردی، روابط والد - فرزند، رضایت شغلی، رفتار ابتکاری - هنری، اوقات فراغت و بالاخره روابط زناشویی تفاوت معنی داری داشتند. گفتمنی است که کیفیت زندگی نیز با تحصیلات و شغل والدین، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده همبستگی داشت و والدین دانش‌آموزان مناطق ۴ و ۱۹ که وضعیت اقتصادی ضعیفی داشتند و همچنین دارای تحصیلات و مشاغل پایین بودند از کیفیت زندگی پایین تری برخوردار بودند. مشترک بودن برخی اجزاء کیفیت زندگی با مقیاس کودک آزاری نشان‌دهنده هماهنگی یافته‌های پژوهش با ابزار گوناگون به کار گرفته شده است. برای نمونه مقیاس کودک آزاری نشان دهنده جو منفی خانواده بود که همزمان با آزار عاطفی مورد سنجش قرار گرفت. افزون بر آن والدین دانش‌آموزانی که نمره آزار آنها بالا بود در خرده مقیاس روابط والد - فرزند و روابط زن و شوهری نمره کمی به دست آوردند.

تحصیلات پایین تر بوده است.

نتایج همچنین نشان داد که خانواده‌های دارای مادران با تحصیلات بالا بیش از خانواده‌های دارای مادران با تحصیلات پایین از کیفیت زندگی برخوردارند. یافته‌های پژوهش نیز بیانگر بر خورداری والدین

جدول ۶- مقایسه میانگین‌های کیفیت زندگی والدین با توجه به منطقه آموزش و پرورش (محل تحصیل کودک)

شاخصها	فراوانی	میانگین	انحراف	سطح
منطقه آموزشی	معیار			معنی داری
نوزده	۲۳	۶۸/۰۱	۲۳/۳۷	
چهار	۲۲	۷۴/۴۸	۱۷/۹۸	
پنج	۷	۸۶/۲۳	۱۴/۸۲	۰/۰۱ ۴/۱۱۵
شش	۲۰	۸۹/۴۱	۲۲/۷۸	
سه	۶	۹۳/۳۳	۱۸/۷۶	

جدول ۷- نتایج تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین کیفیت زندگی والدین و وضعیت اقتصادی خانواده

شاخصها	فراوانی	میانگین	انحراف	سطح
وضعیت اقتصادی	معیار			معنی داری
ضعیف	۷	۶۶/۲۳	۱۲/۷۶	۰/۰۱ ۴/۴۶
متوسط	۳۲	۷۲/۸۱	۲۱/۵۱	
خوب	۳۵	۸۵/۱۴	۲۱/۷۶	
بسیار خوب	۴	۱۰۲/۸۷	۲۲/۴۱	



این یافته پژوهش، پایین تر بودن کیفیت زندگی والدین کودکان آزار دیده را توجیه می‌کند. این نکته به ویژه برای نمره خرده مقیاس روابط زناشویی که ۴۵ درصد واریانس نمره آزار را تبیین می‌کرد، از یافته‌های جالب توجه این پژوهش است. لاجاریت و همکاران (۱۹۹۸) نیز الگویی را مطرح کرده‌اند که در آن بی توجهی نسبت به کودک نه تنها با الگوی خاص ارتباط میان کودک و والدین مربوط می‌شود، بلکه همچنین با الگوی روابط زناشویی و رشد نگاره هر یک از والدین (در این پژوهش تحت عنوان تحول فردی از آن یاد شد) ارتباط دارد. از نظر آنها در یک سطح کلان سیستمی نیز بی توجهی نسبت به کودک به عنوان یک عنصر اجتماعی و خانوادگی به طور غیر مستقیم با مداخله عواملی چون تجارب دوران کودکی والدین و روابط زناشویی آنها، ماهیت حمایت اجتماعی دریافتی از سوی آنها و بالاخره رویدادهای زندگی تقویت شده و تداوم می‌یابد.

گاربارینو (۱۹۷۶) نیز از بدرفتاری با کودک به عنوان نشانگرهای اجتماعی کیفیت زندگی خانواده‌ها یاد می‌کند. او استرس‌های شدید خانواده، عدم دریافت حمایت اجتماعی و وضعیت بد اقتصادی والدین را در خانواده‌های بد رفتار گزارش نموده است.

شناخت کیفیت روابط زناشویی در والدین کودک آزار و تفاوت آن با والدینی که کودکانشان مورد آزار قرار نگرفته بودند، شاخص‌ترین یافته این پژوهش در بخش ارزیابی کیفیت زندگی والدین است. لاجاریت و همکاران (۱۹۹۶) نیز با هدف بررسی برداشت مادران بی توجه از میزان همکاری شوهران در زندگی وجود خشونت و نقش کمتر حمایت کننده این همسران دریافتند که مادران مورد بررسی (مادران بی توجه) در مقایسه با گروه گواه از شریک زندگی خود کمتر راضی بوده‌اند. افزون بر آن، مادران بی توجه شوهرانشان را همسرانی خشن و غیر حمایت کننده دانسته‌اند.

روابط بد زن و شوهری در خانواده‌های کودک آزار در

بررسی آگاتونس<sup>(۱)</sup> و براون<sup>(۲)</sup> (۱۹۹۷) نیز گزارش شده است. یکی از یافته‌های جالب این پژوهش معنی دار بودن تفاوت نمره خرده مقیاس رفتار ابتکاری - هنری در دو گروه والدین دانش‌آموزان آزار دیده و آزار ندیده است که در پیشینه پژوهش کمتر به آن برخورد نمودیم و لازم است که در مورد آن پژوهش‌های بیشتری صورت گیرد.

## منابع

رحیمی موقر، آفرین (۱۳۷۶). بررسی مقایسه‌ای میزان شیوع بد رفتاری جسمی با کودک در کوی سیزده آبان شهری و ناحیه‌ای از منطقه ۳ در سال ۱۳۷۵. تهران: معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.

نوروزی، فاطمه (۱۳۷۲). بررسی میزان گزارش پیشینه کودک آزاری و بسی توجهی با توجه به تفاوت‌های جمعیت‌شناسی و ارتباط آن با شدت افسردگی در دانش‌آموزان دبیرستانهای دولتی تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. انستیتو روانپزشکی تهران.

Agathonos, G., Browne, K.D. (1997). The prediction of child maltreatment in Greek families. *Child-Abuse and Neglect*, 21,721-735.

Alperstein, G., Rappaport, C., Flanigan, J. (1998). Health problems of homeless children in New York City. *American Journal of Public Health*, 78, 1232-1233.

Belsky, J. (1980). Child maltreatment: An ecological integration. *American Psychologist*, 35, 320-335.

Belsky, J. (1993). Etiology of child maltreatment: A developmental - ecological analysis. *Psychological Bulletin*, 114, 413-434.

Bentovism, A. (1987). Child abuse. *Medicine International*, 2nd series, 44 , 1851-1855.

Blumerg, M. (1974). Psychopathology of the abusing

- parent. *American Journal of Psychotherapy*, 28, 21-29.
- Bradley , E. J., & Peters, R. D. (1991). Physically abusive and nonabusive mothers' perception of parenting and child behavior. *American Journal of Orthopsychiatry*, 61, 455-460.
- Bronfenbrenner, U. (1979). *The ecology of human behavior*. Cambridge, M. A.: Harvard University Press.
- Cella, D. F. (1994). Quality of Life: Concepts and definition. *Journal Ain. Symptom. Manage*, 9(3), 186-192.
- Chan, Y. C. (1994). Parenting stress and social support of mothers who physically abuse their children in Hong Kong. *Child Abuse & Neglect*, 18, 261-269.
- Cicchetti, D., & Rizley, R. (1981). Developmental perspectives on the etiology, intergenerational transmission , and sequelae of child maltreatment. In R. Rizley & D. Cicchetti (Eds.), *Developmental perspectives on child maltreatment*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Crowe, H. P., & Zeskind, P. S. (1992). Psychophysiological and perceptual responses to infant cries varying in pitch: Comparison of adults with low and high scores on the Child Abuse Potential Inventory. *Child Abuse & Neglect*, 16, 19-29.
- Culp, R. E., Culp, A. M., Soulis, J., & Letss, D. (1989). self-esteem and depression in abusive, neglecting, and nonmaltreating mothers. *Infant Mental Health Journal*, 10, 243-251.
- During, S. M., & Mc Mohan, R. J. (1991). Recognition of emotional facial expressions by abusive mothers and their children. *Journal of Clinical Child Psychology*. 20. 132-139.
- Emery R., E. Laumman-Billings, L. (1998). An overview of the nature, causes and consequences of abusive family relationships toward differentiating maltreatment and violence. *Journal of the American Psychologist*. 53, 121-135.
- Evans, A. L. (1980). Personality characteristics and disciplinary attitudes of child abusing mothers. *Child Abuse & Neglect*, 4, 179-187.
- Ivans, D. R., & Cope, W. E. (1989). *Manual for the Quality of Life Questionnaire*. North Tonawanda: Multi-Health Systems Inc.
- Frodi, A. M., & Lamb, M. E. (1980). Child abusers' responses to infant smiles and cries. *Child Development*, 51, 238-241.
- Garbarino, J. (1976). A preliminary study of some ecological correlates of child abuse. *Child Development*, 47, 178-185.
- Hansen, D. J., Pallotta, G. M., Tishelman, A. C., Conaway, L. P., & MacMillan, V. M. (1989). Parental problem-solving skills and child behavior problems: A comparison of physically abusive, neglectful, clinic, and community families. *Journal of Family Violence*. 4, 353-368.
- Hart, S. N., & Brassard, M. R. (1987). A major threat to children's mental health. *American Psychologist*, 42, 160-165.
- Hart, S. N., & Brassard, M. R. (1991). Psychological maltreatment: Progress achieved. *Development and Psychopathology*, 3, 61-70.
- Kelly, J. A. (1983). *Treating child abusive families: Intervention based on skills-training principles*. New York: Plenum.
- Kent, A., & Waller, G. (1998). The impact of Childhood Emotional Abuse and Trauma Scale.

*Child Abuse & Neglect*, 22, 393-399.

Knutson, J. F. (1978). Child abuse as an area of aggression research. *Journal of Pediatric Psychology*, 3, 20-27.

Lacharite, C., Ethier, L., & Coture, G. (1996). The influence of partners on parental stress of neglectful mothers. *Child Abuse Review*, 5, 18-33.

Larrance, D. T., & Twentyman, C. T. (1983). Maternal attributions and child abuse. *Journal of Abnormal Psychology*, 92, 449-457.

Mash, F. J., Johnston, C., & Kovits, K. (1983). A comparison of the mother child interactions of physically abused and non-abused children during play and task situations. *Journal of Clinical Child Psychology*, 12, 337-346.

McCubbin, H. I., Cauble, A. E., & Patterson, I. M. (1982). *Family stress, coping, and social support*. Springfield: Charles C. Thomas.

Mihaly, L. (1991). Beyond the numbers: homeless families with children. In: J. Kryder-Coe L., Salamon J., Molnar, (Eds.). *Homeless children and youth: A new American Dilemma*. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers.

Milner, J. S. (1993). Social information processing and physical child abuse. *Clinical Psychology Review*, 13, 275-294.

Milner, J. S. (1994). Assessing physical child abuse risk: The Child Abuse Potential Inventory. *Clinical Psychology Review*, 14, 547-583.

Mokuau, N. (1990). The impoverishment of native Hawaiians and the social work challenge. *Health and Social Work*, 15, 235-242.

Perry, M. A., Wells, E. A., & Doran, L. D. (1983). Parent characteristics in abusing and nonabusing

families. *Journal of Clinical Psychology*, 12, 329-336.

Reid, J. B., Tapline, P. S., Lorber, R. (1981). A social interactional approach to the treatment of abuse families. In R. B. Stewart (Ed.). *Violent behavior: social learning approaches to prediction, management, and treatment*. New York: Brunner/Mazel.

Starr, R. H. (1982). A research-based approach to the prediction of child abuse. In R. H. Starr, (Ed.), *Child abuse prediction: Policy implications*. Cambridge, MA: Ballinger.

Stefanidis, N., Pennbridge, J., Mackenzie, R.G., & Postharst, K. (1993). Runaway and homeless youth: the effects of attachment history on stabilization. *American Journal of Orthopsychiatry*, 62, 442-446.

Tzeng, O. C. S., Jackson, J. W., & Karlson, H. C. (1991). *Theories of child abuse and neglect: Differential perspectives, summaries & evaluation*. New York: Praeger.

Vostanis, P., Grattan, E., & Cumella, S. (1997). Psychosocial functioning of homeless children. *Journal of American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 36.

Wolfe, D. A., Fairbank, J. A., Kelly, J. A., & Bradlyn, A. S. (1983). Child abusive parents' physiological responses to stressful and non-stressful behavior in children. *Behavioral Assessment*, 5, 363-371.

Wood-Shuman, S., & Cone, J. D. (1986). Differences in abusive, at-risk for abuse, and control mothers' descriptions of normal child behavior. *Child abuse & Neglect*, 10, 397-405.